

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

هوشنگ معین زاده

۱۵۰۳۱۰

زکریای رازی ستاره درخشان آسمان فرهنگ و تمدن بشری

هشت سده پیش با بنیان نهادن روشهای نو برای شناخت مجهولات فلسفه به جنگ ارسطو برخاست و راه را برای امثال فرانسیس بیکن و رنه دکارت باز کرد تا با روشهای ابداعی او، جهان را از قید و بندهای آرای ارسطو رها سازند، و با خردگرانی خود چراغ راه فرزانهگانی مانند ولتر و نیچه شد که آنان نیز توانستند دنیای مسحیت را از سلطه کلیسا نجات دهند.

مقدمه

سخن گفتن در باره بزرگمردی چون رازی در جایگاه یک دانشمند متفکر که هم پایه گذار شیمی [کیمیا] نوین بوده، هم علم پزشکی را در زمان خود به حد کمال رسانده و هم با دیدگاههای فلسفی اش، طرح نئی در این رشته از علوم انداخته است، کار آسانی نیست. نخست اینکه از گذشته های دور، پرده تاریکی از کین و حسد بر گرد ارزش تلاشهای این فرزانه یگانه کشیده بودند که کار مؤرخین و محققین را در شناسائی خدمات او مشکل می ساخت. دیگر این که با از میان بردن بسیاری از آثار او، ارزیابی تلاشهای علمی او تا حدودی نا ممکن گردید. سه دیگر این که بر اثر انبوه ایرادهای مغرضانه ای که بزرگان همعصر و پس از او بر وی گرفتند، قدر و قیمت این فرزانه بزرگ، نا شناخته ماند. و مهمتر از همه این که در ایران و بیشتر کشورهای اسلامی، پرداختن به رازی در محدوده تأیید کفر گوئی او و در وضع بهتر، پذیرش کفریات وی به شمار می آمد که برای حاکمان وقت و شریعتمداران این کشورها قابل قبول نبوده و نیست. چنانچه در دو قرن اخیر دانشمندان غرب، ارزش خدمات علمی او را آشکار نکرده بودند، هرگز جایگاه راستین او بر ایمان روشن نمی شد.

بررسی علل و انگیزه بی مهری به این بزرگمرد جهان دانش در واقع ادای حقی است نسبت به خدمات او در سه رشته از علوم (شیمی، پزشکی و فلسفه) که در هر سه آنها سرآمد دوران خود بود و تا قرنهای پس از وی نیز فرزانه ای به بلندپایگی او در این سه عرصه چشم به جهان نگشوده بود. رازی در دو گستره از علوم تجربی، یعنی شیمی و پزشکی با یافته های خود و نو آوریهای بی مانند بود. در فلسفه نیز با روشهای ابداعی اش، برای دورانی طولانی یکه تاز این میدان محسوب می شد. او در جایگاه یک دانشمند و متفکر آزاده، خلاف باورهای رایج زمان گام بر میداشت و به قول معارضینش سنت شکن و بدعت گذار بود که هر دو صفت از ویژگی های آزادگان و پیروان خرد است.

ایراد بزرگی که بر رازی می گرفتند، این است که او از اصول مسلم و شناخته شده زمان، یعنی پیروی از آرای فلسفی ارسطو عدول کرده است. البته این ظاهر قضیه بود، زیرا در علوم نظری، چنین امری از ضروریات است.

خود ارسطو نیز در بسیاری از مسائل فلسفی از نظرات استادش افلاطون عدول کرده بود. ابن سینا نیز که از بزرگترین شارحان فلسفه مشائی ارسطو است، در موارد زیادی بر نظرات او ایراد گرفته است.

می دانیم که تا زمان رازی و حتی قرن‌ها پس از او، اندیشه حاکم بر دنیای اسلام و سپس دنیای غرب مسیحی، فلسفه یونانیان و در رأس آن آرای فلسفی ارسطو بود. کتب فیلسوفان یونان، به ویژه ارسطو که به عربی ترجمه شده بود، افکار و اندیشه های او را در میان اندیشمندان اسلامی رواج داده بود و به قولی آرای ارسطو در بیشتر زمینه ها اصل مسلم شمرده می شد. همچنانکه همین طرز تفکر پس از گذر فلسفه از طریق متفکرین مسلمان اندلس به غرب، دنیای مسیحیت را نیز قرنهای بسیار گرفتار پیچ و خم افکار و اندیشه های فلسفی او کرده بود. در این میان نخستین اندیشمندی که آرای این فیلسوف و پیروان او را به مبارزه طلبید، رازی بود که به صراحت به پیروان ارسطو و فلسفه مشائی او می گفت:

«این اصولی که برای فکر بشر وضع شده است و حل تمام مشکلات فکری بشر را بدانها باز بسته اید، قطعی و قانع کننده نیست.»

رازی ضمن این که افکار و اندیشه های معلم اول (ارسطو) را درست نمی دانست، در عین حال در مقابل فلسفه مشائی او، راه و روش نوئی ارائه داد که هشتصد سال پس از او در دوران رنسانس غرب، دو تن از بزرگترین فیلسوفان اروپا «فرانسویس بیکن» و «رنه دکارت» با همان روش ابداعی او، ضربه نهائی را بر پیکر تتومند مکتب ارسطو و فلسفه مشائی وارد کردند و توانستند جهان را از قید و بندهای فلسفه ارسطویی نجات دهند. گفتنی است که مشکل واقعی رازی و امثال او در مشرق زمین، مشکلی است که از هزار و چهار صد سال پیش در عالم اسلام و از جمله کشور ما حاکم است. به این معنا که حتی در عرصه تفکر و اندیشه نیز مسلمانان آزاد نیستند و اجازه خروج از حوزه دیانت را ندارند. به همین علت هم می بینیم که پس از آگاهی از آسیبی که مسائل فلسفی میتوانست به دیانت اسلام وارد سازد، متولیان این شریعت، علم کلام را پایه ریزی کردند تا متفکران را به جای پرداختن به فلسفه به مسیر کلام بکشانند و از آن طریق از دین خود در مقابل ایرادهای خردورزان دفاع کنند.

رازی کیست؟

رازی یکی از خلاق ترین دانشمندان و برجسته ترین متفکران ایران و جهان است. به همین علت نیز امروزه بزرگان بسیاری، او را به خاطر استقلال رأی و روش شجاعانه اش در ارائه نظراتش، نیرومندترین و آزاداندیش ترین متفکر در دنیای اسلام، حتی در سراسر تاریخ تفکر بشری عنوان میکنند. رازی از جمله معدود متفکرانی است که از طریق علوم تجربی به علوم نظری پرداخته است. به این معنا که تجربیات گسترده علمی او، به وی این امکان را میداد که با دیدی علمی و عقلانی، واقع بینانه تر به مسائل فکری بپردازد. در این مورد خاص، میدانیم که اهل نظر با تفکر و اندیشه در مسائل مختلف نظراتی میدهند و این نظرات وقتی قطعیت پیدا میکند که در حوزه علم و عمل به اثبات برسد. به همین علت نیز نظر اندیشمندان و فیلسوفان به عنوان علوم نظری محسوب می شود. اما وقتی دانشمندان علوم تجربی نظریه ای ابراز میدارند، با توجه به این که نظرات آنان از تجربیاتشان نشأت میگیرد، بیشتر مورد توجه قرار می گیرد و بعضی موارد هم به عنوان اصل ثابت شده پذیرفته می شود.

رازی پس از طی مراحل از علوم که در هر یک از آنها به حد اعلائی تبحر رسیده بود، به فلسفه می پردازد و از همین روست که نظرات فلسفی او با تفکرات رایج زمانش متفاوت است. اگر به ایرادهائی که بر او گرفته اند دقت کنیم می بینیم که بیشتر آنها ناشی از کینه و حسد و دشمنی با او بوده است که بدانها اشاره خواهیم کرد. اما پیش از آن لازم است نگاه کوتاهی به پایگاه این حکیم در دو رشته از علوم تجربی و عملی بیندازیم:

۱- رازی و علم شیمی (کیمیا)

نخستین رشته ای از علوم که رازی از جوانی به آن مشغول و بیشتر عمر خود را صرف آن کرد، علم شیمی (کیمیا) است. در این عرصه که از مهمترین عرصه های علوم تجربی و عملی به شمار میرود. رازی یکی از بزرگترین شیمی دانان یا کیمیاگران و به تصدیق بسیاری از اهل نظر پایه گذار شیمی نوین بوده است. به همین علت هم

"ژولیوس روسکا" دانشمند برجسته المانی که در شناساندن شیمی (کیمیا) رازی به دنیای علم، بیشتر از هر کس تلاش کرده است، رازی را پدر شیمی علمی و بانی مکتب جدیدی در این رشته از علوم دانسته است. لازم به یادآوری است که پیش از شناخته شدن خدمات رازی در رشته شیمی، این لقب را به دانشمند بلند پایه فرانسوی آنتوان [لاوازیه](#) داده بودند.

تا پیش از رازی بسیاری در عرصه کیمیا تلاش کرده و کتب متعددی هم نوشته بودند، ولی رازی در این بخش، نو آوریها و ابداعات و اکتشافاتی داشته است که تا آن زمان هیچ یک از کوشندگان این رشته به پایگاه او نرسیده بودند. مهمتر از همه اینکه رازی با تبحری که در این رشته داشت، نخستین کسی بود که داروسازی شیمیایی مانند داروی سمی آکالوئیدی را برای درمان بیماران به کار برده است. از کشفیات مهم رازی در رشته شیمی کشف الکحول و جوهر گوگرد (اسید سولفوریک) و تبعات آن است.

دیگر این که رازی نخستین دانشمندی است که مواد را طبقه بندی کرده و اجسام را به سه گروه جمادی، نباتی و حیوانی نامگذاری نموده است. همچنانکه او نخستین شیمی دانی بود که مواد را به دو دسته فلز و شبه فلز دسته بندی کرده است.

نظریه اتمی و رازی

در تحول دانش کیمیا به علم شیمی توسط رازی، نکته‌ای که از نظر محققان و مؤرخان علم، ثابت گشت، نگرش «زره یابی» یا «اتمسی» رازی است. کیمیاگران، قائل به تبدیل [عناصر](#) به یکدیگر بوده‌اند و این نگرش موافق با نظریه ارسطویی است که عناصر را تغییر پذیر، یعنی قابل تبدیل به یکدیگر می‌دانستند. لیکن از نظر زره گرایان، عناصر غیر قابل تبدیل به یک دیگرند و نظر رازی هم مبتنی بر تبدیل ناپذیری آنهاست و همین علت کلی در روند تحول کیمیایی کهن به شیمی نوین بوده است. به عبارت دیگر، شیمی علمی رازی مرهون نگرش زره گرائی اوست. در اروپا فرضیه اتمی را دانیل سر «Daniel Seer» در سال ۱۶۱۹ از فلاسفه یونانی گرفت که بعدها «وبرت بویل» آن را در نظریه خود راجع به عنصرها گنجانده. با آنکه نظریه بویل با آرای کیمیاگران قدیم تفاوت دارد، ولی از زمان فلاسفه قدیم تا زمان او، تنها رازی قائل به اتمی بودن [ماده](#) و بقاء و قدمت آن بوده است. با آن که نظریه رازی با نظریه بویل و یا نگرش نوین تفاوت دارد، لیکن به نظریات علمای شیمی و فیزیک امروزی نزدیک است.

۲- رازی و علم پزشکی

علم پزشکی سنتی با ظهور رازی به حد اعلای شکوفائی خود رسید. با این که رازی در سنین بالا به این رشته پرداخت، ولی در اندک زمانی چنان شهرتی پیدا کرد که پیش از او و مدتها پس از وی، هیچ پزشکی به درجه اهمیت او نرسید. رازی همچنانکه در علم شیمی با نوآوریها و کشفیات خود سرآمد دانشمندان این رشته از علوم بود، در علم پزشکی نیز با ابداعات و اکتشافات خود یکه تاز این میدان شد. آنچنانکه بیش از چهار صد سال کتب الحاوی و طب منصوری و دیگر آثار پزشکی او به کرات به زبان لاتین و زبانهای دیگر اروپائی ترجمه و چاپ شد. کتابهای پزشکی رازی از معتبرترین کتابهای پزشکی بود که در دانشگاههای پزشکی اروپا تدریس می شد. به عنوان مثال کتاب آبله و سرخک رازی از سال ۱۴۹۸ تا ۱۸۶۶ چهل بار در کشورهای مختلف اروپا تجدید چاپ شده است.

- طب بالینی نیز از ابداعات افتخار آمیز رازی محسوب میشود تا جائی که او را پزشک بیمارستانی لقب داده اند. روشی که او در بیمارستان بغداد و ری برای پیگیری مداوای بیماران اتخاذ کرده بود، هنوز هم در بیمارستانهای مدرن دنیا دنبال میشود.

- رازی اولین پزشکی بود که تشخیص تفکیکی بین آبله و سرخک را بیان کرد و علت بروز و انتقال بیماری آبله را به تفصیل شرح داد که یکی از دستاوردهای بزرگ علم پزشکی به حساب می آید که در تاریخ پزشکی به نام وی ثبت گردیده است.

- رازی علاوه بر الجامع الکبیر (الحاوی) که آن را دائره المعارف پزشکی مینامند و بسیاری این کتاب را از قانون ابن سینا معتبرتر می‌شمارند و طب منصوری که از معتبرترین کتب پزشکی محسوب میشود، ۵۶ جلد کتاب در مسائل مختلف پزشکی نوشته و بیماریهای گوناگون و طریقه معالجه آنها را به تفصیل شرح داده است.

- رازی بخش نهم کتاب الحاوی خود را (در ۴۱۲ صفحه) به شناخت داروهای مختلف اختصاص داده که یکی از منابع داروشناسی پس از دوره تجدید حیات علمی «رنسانس» بوده و به همین علت نیز زاد روز رازی (پنجم شهریور) روز دارو سازی و به نام او نامگذاری شده است.

- جرج سارتون در کتاب فاخر خود «تاریخ علم»، نیمه دوم سده سوم هجری را عصر رازی نامگذاری کرد و آن را دوره اول جنبش نوزائی فرهنگ اسلامی نامیده است.

بخش پزشکی رازی را با این جمله از زنده یاد عباس اقبال آشتیانی به پایان می‌رسانیم که نوشته است: «پزشکی نبود، بقراط آن را به وجود آورد. مُرده بود، جالینوس آن را زنده کرد. پراکنده بود، رازی آن را جمع کرد. ناقص بود ابن سینا آن را کامل کرد.»

رازی در علوم طبیعی از جمله فیزیک نیز تبحر داشت. ابوریحان بیرونی و عمر خیام نیشابوری، مطالعات و تحقیقات خود را از جمله در چگال سنجی زر و سیم، مرهون دانش رازی هستند. او در علوم فیزیولوژی و کالبد شکافی، جانور شناسی، گیاه شناسی، کانی شناسی، زمین شناسی، هوا شناسی و نور شناسی نیز دست داشته و کتابهایی در این رشته ها نوشته است.

۳- رازی و فلسفه

در باره دو رشته از علوم، شیمی و پزشکی که رازی در هر دوی آنها سرآمد دوران خود بود به اختصار سخن گفته شد، زیرا امروزه شهرت رازی در این دو رشته آنچنان شناخته شده است که نیازی به شرح و تفصیل ندارد. به خصوص که خود من هم در این دو رشته اطلاعاتی ندارم تا بیشتر از این به آنها بپردازم. اما به فلسفه رازی شاید بهتر بتوانم بپردازم.

*واژه فلسفه از واژه یونانی Philosophia گرفته شده است که به معنی خرد دوستی است. فیلسوف هم به کسی اطلاق میشود که دوستدار خرد و دانائی است. میگویند: نخستین کسی که این واژه را به کار برد، فیثاغورس بود. وقتی که از او پرسیدند: «آیا تو فرد دانائی هستی؟» وی در پاسخ گفت: «نه! اما دوستدار دانائی هستم» یعنی «فیلسوف» ام. افلاطون میگوید: فیلسوف کسی است که در پی شناسائی امور ازلی و حقایق اشیاء و علم به علل و مبادی آنهاست. ارسطو در تعریف فلسفه میگوید: فلسفه علم به احوال موجودات است از آن جهت که وجود دارند. فارابی میگوید: فلسفه، معرفت خالق است و خالق واحد، غیر متحرک و علت فاعله برای تمام اشیاء است. ابن سینا میگوید: فلسفه آگاهی بر حقایق تمام اشیاء است به قدری که برای انسان ممکن است.

با این تعاریف کلی از سه تن از سرشناس ترین فیلسوفان غرب و دو تن از فیلسوفان الهی نامدار شرق در باره فلسفه و فیلسوف، می‌گوئیم: یک فرد فرزانه وقتی فیلسوف نامیده می‌شود که هیچ نوع قید و شرطی در ارائه افکار و اندیشه های خود نداشته باشد. آزادانه با عقل و خرد خود به بررسی مسائل مربوط به فلسفه بپردازد، به ویژه این که در پی تأیید و یا اثبات دیانتی نباشد. به عبارت دیگر فیلسوف، کسی است که به ارزش عقل ایمان دارد و در علم و عمل خود، مقید به احکام عقل است. در این زمینه وی خلاف کسی است که در علم و عمل خود، معتقد به وحی و الهام یا متکی به خرافات است. زیرا در آن صورت، او دیگر فیلسوف نیست، بلکه متکلم است که با علم کلام (نه با فلسفه) برای دفاع و اثبات یک شریعت، خلاف متشرعین که به مبانی نقلی متوسل می‌شوند، به ادله عقلی توسل می‌جوید.

گفتنی است که علم کلام اندکی پس از ورود فلسفه یونان به عالم اسلام، توسط مسلمانان به منظور مقابله با آن پایه ریزی شد. هدف از آن هم دفاع از شریعت در مقابل ادله عقلی فلاسفه بود. مکتب معتزله نخستین مکتبی بود که به این امر پرداخت و در پی این مکتب نیز متکلمین یا فیلسوفان الهی وارد این کارزار شدند.

نگاهی به افکار و اندیشه های فیلسوفانی که پس از اسلام نام آور شده اند، نشان می دهد که اکثراً آنها خلاف سیره فیلسوفان، روش متکلمین را دنبال میکردند. بی جهت نیست که «برتراند راسل» در کتاب «تاریخ فلسفه غرب» خود، آنان را شارح فلسفه یونان می داند، نه فیلسوف. واقعیت هم همین است. فارابی و ابن سینا و ابن رشد که نامدارترین فیلسوفان ایران و اسلام نامیده می شوند، هیچ یک در حوزه فلسفه، کار عمده ای انجام نداده اند. بزرگترین هنر این نامداران شرح و تفسیر فلسفه مشائی ارسطو بوده و این که چگونه مسائل فلسفی یونان به ویژه معلم اول را با دین اسلام پیوند بزنند و میان فلسفه و دین سازگاری به وجود بیاورند. اینکه ابن سینا ایراد و اشکالاتی بر معلم اول گرفته و یا بعضی از مسائل فلسفی ارسطو را با دید و نظر خود تعبیر و تفسیر کرده است، در اصطلاحات فلسفی به چنین فردی فیلسوف نمی گویند، بلکه او را «عالم فلسفه» مینامند. به خصوص اگر دارای رأی و نظر و صاحب دستگاه فلسفی خاصی نباشد. با این تعابیر، می توانیم چنین نتیجه بگیریم که در عالم اسلام جز تنی چند، مقام والای فیلسوف را ندارند، و یکی از این افراد و بی تردید، نخستین آنها محمد زکریای رازی است. این که می گویند:

الکندی نخستین فیلسوف عالم اسلام است، نیز درست نیست. زیرا بر مبنای تعاریفی که از فیلسوف شد، الکندی فیلسوف محسوب نمی شود. او به عنوان یک متکلم معتزله، مانند بزرگان دیگر این مکتب به دستگاه مامون و برادرش معتصم راه پیدا کرد و علم کلام را در اسلام پایه گذاری نمود. آنچه از فلسفه الکندی عنوان میشود، شرح و تفسیر تألیفات ارسطو است تا جایی که او را پیشرو و نخستین پیرو مکتب ارسطو یا مشائیان قلمداد میکنند. به زبان دیگر الکندی، نخستین متکلمی است که خلفای عباسی که پیرو مکتب معتزله بودند، به کار گرفتند تا میان فلسفه و دیانت هماهنگی ایجاد کند. و الکندی در این مورد خاص اولین متکلمی بود که مباحث فلسفه یونانی را با این دیدگاه تدوین کرد که نشان دهد، فلسفه و علم برهانی میتواند در کنار وحی نبوی، هر دو به صورت مستقل، بمانند.

در حالی که رازی نخستین فیلسوف آزاداندیش و مستقل در عالم اسلام بود که نظرات فلسفی خود را بدون وابستگی به دیانت و پیروی از شریعت حاکم بر جامعه مطرح کرد. پس از رازی، فارابی بود که وارد حوزه فلسفه شد و زیر بنای «فلسفه اسلامی» را گذاشت و به تفسیر دیانت بر مبنای فلسفه پرداخت. در پی او نیز فرزندان دیگر ایرانی، مانند ابن سینا راه و روش او را پی گرفتند که به درستی بایستی آنان را «متکلمین» یا به قول مسلمانان «فیلسوفان الهی» نامید. چرا که تلاش همه آنها بیشتر در حوزه کلام بوده تا فلسفه.

نگاهی به «معرفه النبوه» فارابی و رساله نبوت و سایر رسالات ابن سینا مانند تفسیر سوره های الاخلاص، الفلق، الناس و غیره متکلم بودن آنان را به روشنی نمایان میسازد. در این زمینه لازم به یاد آوری است که حتی رد «معاد جسمانی» که توسط ابن سینا مطرح گردیده، باز هم او را از جرگه متکلمین خارج نمیکند. زیرا او با پذیرفتن اصل معاد و حضور روح به جای جسم در روز قیامت در واقع معاد را تأیید و تصدیق میکند، امری که بر عهده متکلمین است نه فیلسوفان.

در همین زمینه، دکتر ذبیح الله صفا در «تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی» اشاره ای دارد و می نویسد:

«ابن سینا در بعضی موارد از تاثیر متکلمین زمان برکنار نبوده و گاه نیز چنان به دفاع از مبانی دین همت گماشته است که گویی متکلمی عنوان فیلسوف گرفته و میخواهد وظایف متکلمین را انجام دهد».

ابن رشد نیز در این مورد میگوید:

«ابن سینا برای تأویل بعضی الفاظ دینی از قبیل وحی و لوح و قلم از فلاسفه قدیم انفراد جسته است. او را مورد سرزنش قرار داده و بارها بر او تاخته است و وی را به پیروی از اشاعره منسوب و در بسیاری موارد به خطا و غلط متهم کرده است»

حال بر مبنای آنچه از مفهوم فیلسوف عنوان شد و این که فیلسوف به قول فیثاغورس دوستدار دانائی است. بهتر است نظر رازی را در باره ارزش و اهمیت خرد و فضیلت و ستایش عقل را به نقل از «طب روحانی» او بازگو کنیم. زیرا این بهترین سندی است که میتواند جایگاه والای رازی را به عنوان فیلسوف به معنی خاص آن نمایان و فرق او را با متکلمین مشهور به فیلسوف روشن سازد.

رازی می نویسد :

« میگویم : آفریدگار که نامش بزرگ باد خرد از آن به ما ارزانی داشت که به مددش بتوانیم، در این دنیا و آن دیگر، از همه بهره هائی که وصول و حصولش در طبع چون مائی به ودیعت نهاده شده است برخوردار گردیم. خرد بزرگترین مواهب خدا به ماست و هیچ چیز نیست که در سود رسانی و بهره بخشی بر آن سر آید. با خرد بر چارپایان ناگویا برتری یافته ایم، چندانکه بر آنان چیرگی می ورزیم و آنان را به کام خود می گردانیم و با شیوهائی که هم برای ما و هم برای آنها سودبخش است بر آنان غلبه و حکومت میکنیم. با خرد بدانچه ما را برتر می سازد و زندگانی ما را شیرین و گوارا میکند، دست می یابیم و به خواست و آرزوی خود می رسیم. به وساطت خرد است که ساختن و به کار بردن کشتی ها را دریافته ایم. چنانکه به سر زمینهای دور مانده ای که به وسیله دریاها از یکدیگر جدا شده اند واصل گشته ایم. پزشکی با همه سودهائی که برای تن دارد و تمام فنون دیگر که به ما فایده میرساند در پرتو خرد ما را حاصل آمده است. با خرد به امور غامض و چیزهائی که از ما نهان و پوشیده بوده است پی برده ایم. شکل زمین و آسمان، عظمت خورشید و ماه و دیگر اختران و ابعاد و جنبشهای آنان را دانسته ایم، و حتی به شناخت آفریدگار بزرگ نایل آمده ایم. و این از تمام آنچه برای حصولش کوشیده ایم والاتر است و آنچه بدان رسیده ایم سودبخش تر. بر روی هم خرد چیزی است که بی آن وضع ما همانا وضع چارپایان و کودکان و دیوانگان خواهد بود.

خرد است که به وسیله آن افعال عقل خود را پیش از آن که بر حواس آشکار شوند، تصور میکنیم و از این رهگذر آنها را چنان در می یابیم که گویی احساسشان کرده ایم، سپس این صورتها را در افعال حس خود نمایان میکنیم و مطابقت آنها را با آنچه بیشتر تخیل و صورتگری کرده بودیم پدیدار می سازیم. چون خرد را چنین ارج و پایه و مایه و شکوهی است، سزاوار است که مقامش را به پستی نکشانیم، از پایگاهش فرودش نیاوریم و آن را که فرمانرواست فرمانبر نگردانیم. سرور را بنده و فرادست را فرودست نساریم، بلکه باید در هر باره بدان روی نمائیم و حرمتش گذاریم، همواره برآن تکیه کنیم. کارهای خود را موافق آن تدبیر کنیم و به صوابدید آن دست از کار کشیم. هیچگاه نباید هوی را بر آن چیرگی دهیم، زیرا هوی آفت و مایه تیرگی خرد است و آن را از سنت و راه و غایت و راست روی خود به دور میراند و خردمند را از رشد و آنچه صلاح حال اوست باز میدارد. به عکس باید هوی را ریاضت دهیم، خوارش کنیم و مجبور و وادارش سازیم که از امر و نهی خرد فرمان برد. اگر چنین کنیم خرد بر ما هویدا میشود و با تمام روشنائی خود ما را نور باران میکند و به نیل آنچه خواستار آنیم میکشاند. از بهره ای که خدا از خرد به ما بخشیده و بدان بر ما منت گذاشته نیکبخت میباشیم»

دیدگاه رازی از خرد با این که بیش از هزار و صد سال عمر دارد، یکی از بهترین و عقلانی ترین دیدگاهی است که تا کنون از خرد و خردورزی عنوان شده است. بی جهت نیست که «گابریل فران»، یکی از مشهورترین محققین آثار اسلامی، رازی را بزرگترین خردگرای جهان تا قرن هفدهم شمرده است. دکتر پرویز سپیتمان نیز در کتاب فاخر خود «حکیم رازی»، مینویسد:

«همانطور که حکیم فردوسی حماسه های ملی ایران را در شاهنامه احیاء نموده است، افکار و اندیشه ها و آثار فلسفی حکیم رازی را هم که نشأت گرفته از فلسفه خردگرایان ایران باستان است، به حق می باید. شاهنامه فلسفی ایران- نامیده شود.»

ادامه دارد